

شکست سکوت

نابغه‌های واقعی چه کسانی هستند؟

از نیمه مرداد تابستان امسال مجدداً روزنامه‌ها به مطرح ساختن وضعیت یکی از دانش‌آموزان سابق «مرکز فرزندان تهران» و خواهران و برادرش نمودند. البته این امر بی سابقه نبود و به تناوب یکبار دو روزنامه عصر چند سال قبل جنجال آفرینی کردند و یکی از آنها در یک ضرب الاجل یکساعته اعلام نمود اگر پاسخ سازمان را دریافت نکنیم به وظیفه مطبوعاتی خود عمل خواهیم کرد که چنین کردند. سال قبل نیز یکی دو روزنامه و مجله دیگر نیز اطلاعات ناقصی را به خوانندگان خود دادند اما این بار با وجود اطلاع سر دبیری یکی از روزنامه از واقعیت امر در ۲۵ مرداد ۷۶ روزنامه‌های «همشهری» و «سلام» تحت عناوین «نوابغ بی خانمان» و «ماجرای بلاتکلیفی ۴ دانش آموز تیز هوش یک خانواده بی مسکن» مجدداً نسبت به وضعیت این خانواده حساسیت نشان دادند. «روزنامه قدس» و حتی مجله «حمل و نقل» هم ما را بی نصیب نگذاشتند. در ۲۸ مرداد ۷۶ در ویژه نامه «شهرک اکباتان» روزنامه «اخبار» تحت عنوان «چه کسی مسؤول است، نابغه‌های اکباتان بی خانه شدند» مصاحبه نسبتاً مفصلی با «مادر» این به اصطلاح نوابغ صورت گرفت که هیجان کاذبی را در ساکنان شهرک اکباتان بوجود آورد. در ۴ شهریور ۷۶ «روزنامه اخبار» نیز تحت عنوان «نابغه‌های فلاح: بگویید ما چه کار کنیم؟» مصاحبه مجددی با مادر خانواده داشت. چاپ این مصاحبه‌ها در طول سالهای گذشته احساسات عزیزان علاقمند «به استعدادهای درخشان» را به شدت جریحه دار نموده بود و این بار مسأله «مسکن» آنها بی‌خانمانی - که هیچکس برایش قابل تحمل نیست - مطرح شده بود. از این امر حتی برخی از دانش‌آموزان مراکز نیز «مسأله دار» شده بودند و در برخی از نامه‌ها سؤال داشتند که اصل قضیه

را حداقل برای ما توضیح دهید.

از آنجاکه این گفتگوها آبروی نظام مقدس ما را به زیر سؤال برده بود و مسأله دیگر به «سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان» مربوط نمی‌شد. سرپرست سازمان دو مصاحبه مفصل با خبر نگاران «روزنامه اخبار» و «ویژه نامه شهرک اکباتان» همین روزنامه به عمل آوردند. از آنجاکه اصل گفتگو بسیار مفصل بوده است صرفاً به انعکاس آنچه در شماره ۶۲۵ شنبه ۱۵ شهریور، ۱۳۷۶ «روزنامه اخبار» منعکس شده است می‌پردازیم.

«سمپاد»

دکتر اژه‌ای: «فایده‌های ایران فخرات، پرورش المپیادهای جهانی»

در پی انتشار گفت و گوی «اخبار» با والدین فاضله فلاح که به «نابغه فلاح» مشهور است و طرح ادعاهایی مبنی بر ضایع شدن حقوق آنان، این بار با هدف دریافت پاسخ مناسب در این خصوص و همچنین آشنایی با وظایف سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان به گفت و گو با دکتر جواد اژه‌ای مشاور رییس جمهوری و سرپرست این سازمان پرداخته‌ایم که مشروح پرسش‌های طرح شده و پاسخ‌های دریافت شده به این شرح است:

○ ماجرای «فاضله فلاح» چیست و چرا سازمان، سیاست سکوت در مقابل مطبوعات را پیش‌گرفت؟

● سکوت این سازمان در مقابل مسایل طرح شده پنج سال گذشته در مطبوعات و صدا و سیما، صرفاً با هدف جلوگیری از وارد آمدن ضربه روحی به کودکان این خانواده اتخاذ شده بود اما اکنون این سکوت شکسته شد و شرح کامل ماجرا را بیان خواهیم کرد.

تحصیل در مدارس این سازمان از سال اول راهنمایی و از طریق قبولی در آزمون ورودی امکان پذیر است و برای ادامه تحصیل در مقطع دبیرستان نیز دانش آموزان این مدارس باید بار دیگر در آزمون ورودی ویژه این مقطع شرکت کنند.

در طول یازده سال گذشته، «فاضله فلاح» تنها دانش آموزی بود که ۸ سال پیش به صورت استثنا و بدون شرکت در آزمون ورودی به پیشنهاد وزیر وقت آموزش و پرورش و همچنین با هدف انجام یک «تحقیق موردی» در حالی که ۴/۵ سال سن بیشتر نداشت در پایه اول راهنمایی یکی از مدارس

این سازمان پذیرفته شد.

هدف از مطالعه بر روی این دانش آموز، بررسی تأثیر «جهش تحصیلی» در فرایند یادگیری بود. وقتی کودکی در سن ۴/۵ سالگی موفق به گذراندن دوره ابتدایی می شود، طبیعی است که دانش آموز با استعدادی است اما وقتی او در کنار یک دانش آموز ۱۱ ساله تیزهوش که به طور معمول بین ۳ تا ۵ سال «سن عقلی» بالاتری دارد، قرار گرفت دریافتیم که در این وضعیت، پدید آمدن مشکلات مختلف و از جمله «برهم خوردن تعادل رشد اجتماعی» اجتناب ناپذیر است.

اما به هر حال سازمان به خاطر روشن شدن این مسئله و با اعتقاد بر این باور که «فاضله» مشکل اساسی در ادامه تحصیل در سطح تیزهوشان را ندارد، تمام امکانات خود را برای یاری رساندن به این کودک مستعد، بسیج کرد، منتهی پس از گذشت چند ماه از زمان اشتغال به تحصیل این کودک، مشکلات آغاز شد و گزارش های تحصیلی نشان داد که وی به علت سن کم با سایر دانش آموزان کلاس، هم گامی ندارد و به غیر از درس «آزمایشگاه» حضور او در سایر کلاس های درس، «مخل» آرامش دیگران بود.

بنابر این در اواخر سال اول راهنمایی، دو نکته بر ایمان مشخص شد: اول آنکه کلاس های «فاضله» باید انفرادی باشد و در عین حال باید به صورت سهل تر و در حد مدارس عادی از او امتحان گرفته شود.

در سال دوم راهنمایی نیز به اصرار سازمان، تحصیل این دانش آموز در مدرسه فرزندگان تهران ادامه یافت و مدیریت مدرسه هم تمام تلاش خود را برای آموزش این کودک «مستعد» که دیگر مشخص شده بود «نابغه» نیست، به کار گرفت.

در سال سوم راهنمایی نیز مرکز آموزشی تهران، قبولی وی را در این پایه در سطح سایر دانش آموزان غیر ممکن اعلام کرد بنابر این قرار شد نمرات بسیار ضعیف ثلث اول و دوم فاضله، مبنا قرار نگیرد. از آنجا که دانش آموزان مراکز این سازمان بر اساس ضوابط عمومی وزارت آموزش و پرورش، امتحانات نهایی سال سوم راهنمایی و سال چهارم دبیرستان - و از سال آینده کنکور پیش دانشگاهی - را با سایر دانش آموزان کشور برگزار می کنند. از همین رو به طور طبیعی این امتحان ها برای آنان بسیار سهل و ساده است.

فاضله نیز با شرکت در این امتحان ثلث سوم پایه سوم راهنمایی با کسب معدل متوسطی در مقایسه با سایر دانش آموزان مدارس سازمان - که کسی جرأت بکار بردن صفت نابغه برای آنان را ندارد -

موفق به قبولی در این پایه تحصیلی شد.

وی سپس از شرکت در آزمون ورود به دبیرستان‌های این سازمان خودداری کرد و حتی هنگامی که زمان دیگری برای گرفتن آزمون از وی تعیین شد، با سر دادن گریه (به علت سخت بودن پرسش‌ها) از ادامه امتحان خودداری کرد.

پس از این واقعه، پیشنهاد سازمان براساس نظر کارشناسی دبیران مرکز فرزنانگان این بود که فاضله به علت «جهش بدون ضابطه» باید دوباره به تحصیل در دوره راهنمایی در مدارس این سازمان بپردازد تا هم «رشد اجتماعی» مناسب با سن خود را کسب کند و هم از محدوده «حفظ کردن دروس» به مرحله «ادراک مفاهیم» برسد.

منتهی والدین وی به شدت با این نظر مخالفت کردند و ادعا کردند به خاطر «عدم درک فاضله» توسط مرکز آموزشی، در تحصیل او توقف هم صورت گرفته و باید در سه سال گذشته، هر سال دو پایه تحصیلی را طی می‌کرد. آنان با توجه به کسب رکورد فاضله در ورود به دوره راهنمایی گمان می‌کردند که فرزندشان می‌تواند در ورود به دانشگاه هم رکورد جدیدی بدست آورد از همین رو از آن پس، تحصیل فاضله، تحت نظر والدینش ادامه یافت.

○ دانش آموز «نابغه» چه تفاوتی با دانش آموز مستعد دارد؟

● در مورد فاضله منکر استعداد وی نیستم اما جهش زیاد (هفت سال جهش) او را به سطح یک دانش آموز عادی رساند.

در مهرماه و آذرماه سال ۶۸ من دو بار آزمون (تست) بزرگسالان «ریون» را از او به عمل آوردم که توانست به ۳۹ پرسش از ۶۰ پرسش این آزمون پاسخ صحیح بدهد که در گروه سنی او بسیار بالاست ولی یک دانش آموز ۷/۵ ساله در سال گذشته توانست ۵۱ پاسخ صحیح به این ۶۰ پرسش بدهد و این دانش آموز اکنون در پایه سوم ابتدایی یک مدرسه عادی به تحصیل اشتغال دارد و دو سال دیگر در کنکور سازمان شرکت خواهد کرد و والدین این دانش آموز هم هیچ گونه ادعایی در مورد «نابغه» بودن فرزندشان ندارند.

○ چرا فرزندان دیگر این خانواده در مدارس این سازمان پذیرفته نشده‌اند؟

● آنان می‌توانستند مانند سایرین در آزمون ورودی مدارس این سازمان شرکت کنند. «فرهنگ

فلاح» در سن ۸ سالگی در سال سوم راهنمایی مشغول به تحصیل است و اگر خانواده فلاح او را برتر از سایر پذیرفته شدگان سازمان می‌دانند، اجازه بدهند فرزندشان در آزمون ورود به دبیرستان سازمان شرکت کند و اگر پذیرفته شد و رتبه ممتاز در میان سایر قبول شدگان بدست آورد، اصلاً ما حرف مان را پس می‌گیریم .

○ مادر خانواده فلاح معتقد است به خاطر مشکلات سال‌های اخیر، فرزندانشان گرفتار افت تحصیلی شده‌اند، پاسخ شما چیست ؟

● پنج سال است که رابطه تحصیلی فاضله با سازمان قطع شده و ظرف سه سالی که او تحت پوشش این سازمان قرار داشت، امکاناتی را در اختیارش قرار دادیم که در اختیار هیچ دانش‌آموز ایرانی تاکنون قرار نداده‌ایم. اما در این مدت هیچ‌گونه درخششی مشابه دانش‌آموزانی که آنان را «نابغه» می‌نامیم از آنان دیده نشد. از طرف دیگر تا سال ۷۴، به اعتراف مادر «فاضله»، ارایه کمک‌ها ادامه داشت.

همانگونه که کارشناسان آموزشی سازمان پیش‌بینی کرده بودند، فاضله باید سه سال بازگشت تحصیلی داشته باشد که عملاً دو سال آن اتفاق افتاده است و اگر حتی این دانش‌آموز در سیزده سالگی بتواند وارد دانشگاه شود، باز هم دلیل بر نبوغ وی نیست.

در کنکور سراسری سال گذشته دانشگاه‌ها دانش‌آموزی ۱۳ ساله پذیرفته شد و این از نظر سازمان معنای خاصی ندارد، برای ما مدال طلای «ایمان افتخاری» در المپیاد ریاضی جهان، کسب مقام نخست المپیاد فیزیک جهان توسط «انوری» معنی دارد. آنان نه معلم خصوصی داشته‌اند و نه والدین‌شان از آنان به عنوان ابزار استفاده کرده‌اند.

در مورد فاضله فلاح این سؤال مطرح است که چرا در طول چهار سالی که شانس شرکت در المپیادهای جهانی را داشت در این مسابقات شرکت نکرد تا تکلیف احساسات پاک مردم روشن شود.

○ در مورد خانه واگذار شده به آنان در شهرک اکباتان، مادر فاضله مدعی است که این خانه از سوی ریاست جمهوری به آنان اهدا شده اما نپذیرفته‌اند، شما چه توضیحی دارید؟

● اول آنکه ریاست جمهوری مالک ساختمان نیست و دوم آنکه مگر می‌شود خود سرانه ملک

دولت را به کسی بخشید. در مورد سازمان هم براساس قوانین موجود حتی اگر بخواهیم خانه‌ای را به یکی از کارکنان واگذار کنیم، باید مصوبه داشته باشیم و آن هم خانه باید فروخته شود. در صورتیکه پدر فاضله از کارکنان وزارت نیرو است و در صورت امکان باید از آن وزارتخانه مسکنی را در اختیار آنان قرار می‌داد.

البته خانه سازمانی هم مشروط به سنوات خدمت، در اختیار کارکنان قرار می‌گیرد و مهم‌تر آنکه این خانواده در ۵ سال گذشته که ساکن این خانه بودند هیچ‌گونه ارتباطی با سازمان مالک این خانه، نداشتند.

○ در هر حال آیا امکان دارد باز هم برای تهیه مسکن به آنان کمکی ارایه شود؟

● دادستان محترم تهران به خانواده فلاح اعلام کرده‌اند که منزل مناسبی را برای رهن پیدا کنند تا از این طریق به آنان کمک شود در عین حال ما هم سهمی از مبلغ رهن این خانه را پذیرفته‌ایم که البته از طریق دادستان محترم تهران پرداخت خواهیم کرد.

○ آیا از سرمایه‌گذاری سه سال آموزش انفرادی برای فاضله فلاح احساس شکست می‌کنید؟

● در مسیر «پژوهش» شکست یک امر عادی است اما موفقیت بزرگ ما این بود که به جز موارد محدودی توانستیم از این گونه «جهش‌ها» جلوگیری کنیم.

ملت ایران باید بدانند که نظام مقدس ما اجازه نمی‌دهد «استعدادنابی» به هدر برود چرا که اگر چنین بود نمی‌توانستیم همین امسال سه مقام سومی تیمی در سه المپیاد جهانی را بدست بیاوریم. از میان ۱۵ نفر اعضای این سه تیم، ۱۴ نفر از دانش‌آموزان مراکز این سازمان بودند که ما امکانات ویژه‌ای را در اختیار هیچ‌کدام از آنان قرار نداده‌ایم.

سازمان مسئول فرزندان یک خانواده نیست بلکه همه دانش‌آموزان مستعد ایران حق دارند از امکانات محدود ما استفاده کنند.

○ ○ ○

در مرداد ماه ۷۵ هنگام استقبال از افتخار آفرینان تیمهای ملی المپیادهای علمی کشور در فرودگاه مهرآباد روزنامه «رسالت» این مصاحبه را با سرپرست سازمان انجام داد که با توجه به ارتباط موضوع

عیناً نقل می‌کنیم:

دکتر ازه‌ای: اکثر کسانی که به تیم‌های ملی المپیادها راه می‌یابند از طبقات متوسط و مذهبی هستند.

○ به عنوان اولین سؤال بفرمایید وقتی خبر پیروزی تیم ملی المپیاد کشورمان را شنیدید چه احساسی

به شما دست داد؟

● من چندین سال است به این پیروزیها عادت کرده‌ام، با این حال برای من بسیار خوشحال‌کننده بود که در فیزیک نفر اول را در جهان داشتیم، هر چند قبلاً در میان دختران نیز نفر اول در جهان داشتیم و در ریاضیات نیز دختران تیم ما نفر اول در جهان شدند.

به نظر من نکته‌ای که در ارتباط با مسابقات جهانی المپیادها، بسیار مهم است زحمات، تلاشها و برنامه ریزیهای بسیار وسیعی که به صورت گسترده در سطوح مختلف انجام می‌گیرد. این توانمندی تیمهای علمی ملی جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد و ما انتظار این موفقیتها را داریم و اینها گام اول است ما باید بتوانیم این عزیزان را در مرحله بعدی متعهد به ارزشهای ریشه‌دار در این خاک تربیت کنیم و امکانات لازم را که استعدادهای درخشان نیاز دارند و در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده در اختیار این چهره‌های درخشان علمی کشور قرار دهیم تا بتوانیم در آینده از آنان به نحو مطلوب در سازندگی جامعه خودتان استفاده کنیم. آن چیزی که مورد نظر مقام معظم رهبری، ریاست محترم جمهوری و کلیه کسانی که نسبت به آینده علمی این مملکت نگران هستند تحقق پیدا می‌کند. و خوشبختانه ما امسال برای اولین بار از قم در تیم ملی برنده و شرکت‌کننده داشتیم، شهرستانها حضور بسیار فعالی داشتند، از مشهد مقدس طلای کشوری داشتیم و نیز دو تن از شرکت‌کنندگان که مدال نقره را کسب کردند از تبریز بودند و در تیم‌های دیگر از شهرهای قزوین و دیگر شهرها شرکت‌کننده داریم و تمامی اینها نشان می‌دهد که یک گستره بسیار وسیعی از استعدادها در ایران عزیزمان هست و ان شاء الله بتوانیم قدر شناس این استعدادها باشیم و آنها نیز قدرشناس مملکتشان.

○ جنابعالی نقش دولت آینده را مورد برنامه ریزی برای جوانان و مشارکت دادن آنان در برنامه‌های

کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟

● من فکر می‌کنم برنامه ریزی خوبی تا به امروز صورت گرفته است و ممکن است جناب آقای خاتمی نسبت به این مسئله حساسیت بیشتری نشان بدهند این به این معنا نیست که قبلاً این حساسیت

وجود نداشت، به هر حال آنچه در این چند سال برنامه ریزی شده است، برنامه ریزی مدیریت اجرایی و سیاستگذاری نظام بوده است و به طور کلی آنچه که ما نسبت به این بخش از نیروها به فرمایش جناب آقای هاشمی رفسنجانی باید نقد کردن این ذخایر اقدام بکنیم. نقد کردن اینها یعنی، تثبیت وضعیتی که بعد از استقلال سیاسی با استقلال علمی ان شاء الله پیدا خواهیم کرد.

○ به نظر جناب عالی عوامل این موفقیت‌ها در چه مواردی است؟

● البته فکر می‌کنم بدون برنامه ریزی امکان این کار نبود و برادرانی قبل از تشکیل باشگاه دانش‌پژوهان و پس از آن و نیز مراکز آموزشی برنامه ریزی‌هایی انجام داده‌اند که تمامی این عزیزان نقش مؤثری داشته‌اند.

تجربه نشان داده است که اگر امکانات کمک آموزشی برای دانش‌آموزان وجود نداشته باشد امکان این موفقیت‌ها در سطح ملی و در سطح جهانی میسر نیست. بنابراین اگر بخواهیم دانش‌آموزان در سطح استانی، ملی و جهانی پیروزی به دست آورند. باید امکانات آموزشی در اختیارشان قرار دهیم و اگر این امکانات در مناطق محروم و مدارس دولتی فراهم شود نتایج بسیار مطلوبی به دست می‌آید و اطمینان دارم که دولت آینده نسبت به این موضوع هیچگونه کم توجهی نخواهد داشت.

نوع مراکزی هم که در این زمینه کمک می‌کنند از شبانه روزی‌های عشایری و روستایی گرفته تا مراکز استعدادهای درخشان، همه یک طیف گسترده در سراسر جمهوری اسلامی هستند. اینها می‌توانند برای تثبیت و تضمین کشف و پرورش استعدادهای درخشان این مملکت نقش تعیین‌کننده داشته باشند.

○ جناب آقای دکتر آه‌ای به نظر شما موفقیت تیم کشورمان چه پیامی به کشورهای پیشرفته جهان و

چه پیامی به کشورهای در حال توسعه و جهان سوم دارد؟

● این پیروزیها برای ما نشانگر این است که این مملکت دارای استعدادهای بسیار بالایی است و در جمهوری اسلامی ایران نیروهای نقد نشده زیادی وجود داشته است که قبل از انقلاب به مسائلی که در خیلی از کشورهای اسلامی مثل دختر شایسته و زن روز و از این قبیل چیزها توجه می‌کردند و عیاشی و سرگرمیهایی که صرفاً وقت‌گذرانی باشند در جامعه مطرح بوده است، ولی بعد از انقلاب اسلامی این فرصت را پیدا کردیم که این استعدادها را نقد کنیم و این پیروزیها پیامی که برای خود ما دارد این است که اگر مرعوب غرب و تکنولوژی پیشرفته آنها بودیم قطعاً نمی‌توانستیم این موفقیت‌ها را کسب

کنیم و این پیروزیها بیانگر این است که گام اول را محکم برداشته‌ایم.

در سطح جهان، تمامی کشورها همه ساله در این زمینه تلاشهای فراوانی انجام می‌دهند و حتی کشورهای حاشیه خلیج فارس امکانات آموزشی زیادی را برای دانش آموزان خود صرف می‌کند ولی چون دارای استعداد بالقوه گسترده‌ای نیستند نمی‌توانند موفقیت کسب کنند. و ما چون این استعدادها را داریم هر چه سرمایه‌گذاری کنیم به نتیجه می‌رسد و با توجه به اینکه اکثر قریب به اتفاق کسانی که به تیم ملی و المپیادها راه می‌یابند جزء طبقات متوسط جامعه ما و مذهبی هستند. در همین تیم شیمی حافظ ۲۰ جزء قرآن داریم و یا آقای مهدی انوری که در فیزیک نفر اول جهان شد، جزء هیئت عزاداری مدرسه علامه حلی تهران است.

این موارد نکاتی است که مردم ما باید بدانند این قشر برگزیده و رها از سرگرمیهای منحرف‌کننده توانسته‌اند متمرکز در بخش علمی تلاش نمایند و انشاءالله با پرورش این بچه‌ها در آینده بتوانیم با کمک نیروهای بسیار خوب، متعهد و مستقل، در سطح جهانی حضور علمی داشته باشیم و به جای اینکه صرفاً مصرف‌کننده باشیم منابع آنها و تلاشها و تحقیقات آنها را تولید کنیم. و در کنار مجموعه دانش بشری حضوری فعال داشته باشیم و مجدداً به آن موقعی که غرب در خواب بود و جهان اسلام مهد تمدن بشری، برگردیم. این حرفها رؤیا و خواب و غیر واقعی نیست برخی تعبیر می‌کنند که با این چند نفر نمی‌شود به پیشرفت علمی دست یافت ولی من عقیده دارم که این موفقیت‌های پی در پی ما در این چند سال اخیر، بیانگر این است که ما می‌توانیم و دارای یک استعداد بسیار بالا و ارزشمندی هستیم.

○ جناب عالی آینده جوانان کشور ما را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

● من آینده جوانان کشور را بسیار تعیین‌کننده می‌بینم و با توجه به اینکه جناب آقای خاتمی رئیس جمهور محترم در تبلیغات انتخاباتشان به ابعاد فرهنگی بسیار توجه داشتند، انشاءالله این توجه در طول دوره ریاست جمهوری هم با آن عمل شود و آینده جوانان کشورمان بسیار روشن است. منتهی باید قدری تحمل و صبر را پیشه گرفت و به کار پژوهش اهمیت داد. کسانی که در دنیا اختراعات و اکتشافات داشتند افرادی نبودند که صرفاً براساس یک سرگرمی این کار را کرده باشند، باید مسئله پژوهش را در کشور جدی گرفت و باید بودجه‌هایی که به کار پژوهش اختصاص یافته است درست مصرف شود. که اگر سوء استفاده نشود می‌توانیم از نیروهای جوانمان استفاده مطلوبی ببریم.

○ با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.